



شنبه ۸ آذر ۱۴۰۴
وطني امروز | شماره ۴۲۷۴

ورزشی

اخبار

پرسپولیس با بردی حساب‌شده وارد هفته دربی شد اوسمار و نسخه پیروزی



پرسپولیس در قرطین به بردی رسید که ارزشش فقط ۳ امتیاز نبود؛ یک «نفس مطمئن» پیش از دربی بود. شمس‌آذر که برای فرار از ته جدول تقلا می‌کند، بازی را با فشار سنگین آغاز کرد و همان دقایق اول نیازمند را ۲ بار وادار به واکنش کرد اما همان‌قدر که میزبان با انرژی شروع کرد، سرخ‌ها با تجربه جواب دادند؛ یک نفوذ ساده، یک اشفتگی دفاعی و سروش رفیعی با شوتی دقیق قفل بازی را شکست. گل مساوی شمس‌آذر که روی یک کرنر و غفلت کامل خط دفاعی پرسپولیس به ثمر رسید، ورق نیمه اول را برگرداند. با این حال سرخ‌ها می‌توانستند پیش از سوت پایان ۴۵ دقیقه دوباره جلو بیفتند؛ اورونوف در تک به تک توپ را به تیر زد و آه از سکوهای تیم میهمان بلند شد.

نیمه دوم اما حکایت مرپی‌ها بود؛ شمس‌آذر با جسارت جلو آمد، از سمت چپ فشار ساخت و چند بار تا مرز گل رفت اما اوسمار از دقیقه ۶۰ بازی را از آن خود کرد. ورود خدابنده‌لو و احمدزاده شانه‌های خط میانی را محکم کرد و رفته‌رفته جریان مسابقه به سمت پرسپولیس برگشت.

دقیقه ۷۴ لحظه‌ای بود که اوسمار انتظارش را می‌کشید؛ ۲ توپ از روی خط برگشت اما سومین ضربه کار خودش را کرد و اورونوف گل دوم را زد. پس از آن شمس‌آذر با تمام توان یورش آورد اما اشتباهات سورگی و شجاعیان اجازه نداد امتیاز بگیرند. گل سوم پرسپولیس هم توسط داور آف‌ساید اعلام شد، هر چند روی کاغذ تفاوتی در سرنوشت بازی نداشت.

پرسپولیس با این برد به امتیاز ۱۸ رسید و موقتاً بالای جدول نشست؛ جایی که دقیقاً پیش از دربی باید باشد. در سوی دیگر، شمس‌آذر با ۹ امتیاز همچنان در منطقه خطر گیر کرده است. این مسابقه بیش از آنکه جدول را تغییر دهد، یک پیام داشت: اوسمار بردن را بلد است، آن هم درست وقتی که تیمش بیش از همیشه به آن نیاز دارد.



واکنش اعتراضی فدراسیون فوتبال به رفتار غیرورزشی آمریکا

تحریم قرعه‌کشی جام جهانی



ماجرای حضور ایران در مراسم قرعه‌کشی جام جهانی ۲۰۲۶، حالا وارد مرحله‌ای شده که از یک اختلاف اداری ساده گذشته و رنگوبوی یک موضع‌گیری سیاسی جدی به خود گرفته است. جلسه فوق‌العاده هیات‌رئیس فدراسیون فوتبال با یک تصمیم سنگین پایان یافت: هیچ‌یک از نمایندگان ایران به آمریکا نمی‌روند؛ نه به‌عنوان اعتراض احساسی، بلکه پاسخی صریح به رفتاری که از نگاه مقامات ایرانی، خلاف عرف بین‌المللی و اصول ابتدایی میزبانی است.

داستان از جایی شروع شد که آمریکا در روند صدور ویزا، بیش از نیمی از اعضای هیات ایرانی، حتی رئیس فدراسیون را رد کرد. نکته عجیب این است که حتی مقاماتی با دعونامه رسمی فیفا نیز اجازه ورود نیافتند. در میان افراد واجد شرایط سفر، قلعه‌نویی و چند نفر دیگر موفق به اخذ ویزا شده‌اند اما تصمیم نهایی چنین شد: هیچ‌کس از ایران قدم به خاک آمریکا نمی‌گذارد؛ تصمیمی که امضای تمام اعضای هیات‌رئیس پای آن است.

با اینکه از نظر فنی، حضور سرمربی تیم ملی در چنین رویدادی می‌تواند فرصتی طلایی برای مذاکرات تدارکاتی و افزایش وزن بین‌المللی فوتبال ایران باشد اما فدراسیون معتقد است عقب‌نشینی در این مقطع می‌تواند در آینده تبعاتی سنگین‌تر داشته باشد. از نگاه مقامات ایرانی، اگر امروز نسبت به این رفتار واکنش قاطع نشان داده نشود، احتمال دارد آمریکا در زمان برگزاری خود مسابقات نیز محدودیت‌هایی بر کاروان ایران تحمیل کند.

رویکرد سختگیرانه در صدور ویزا در حالی رخ داده که قوانین فیفا به صراحت می‌گوید میزبان باید حضور تیم‌ها، مربیان، عوامل اجرایی، رسانه‌ها و حتی هواداران دارای بلیت را تضمین کند اما اکنون نه‌تنها این تضمین رعایت نشده، بلکه حتی درخواست یکی از اعضای کادر فنی تیم ملی نیز رد شده است. این موضوع وقتی حساس‌تر می‌شود که بداندیم با روی کار آمدن ترامپ، سیاست‌های مهاجرتی آمریکا بار دیگر به سمت سختگیری‌های شدید نسبت به چند کشور از جمله ایران متمایل شده است.

ایران با این تصمیم، به دنبال ارسال پیام روشنی به فیفا و افکار عمومی جهان است: اگر قواعد میزبانی رعایت نشود، فوتبال ایران سکوت نخواهد کرد. هرچند احتمال دارد در صورت ضرورت، مصوبه تغییر کرده و سرمربی تیم ملی به آمریکا اعزام شود اما در شرایط فعلی، موضع رسمی روشن است؛ تحریم کامل مراسم بازگشت احترام به قواعد بین‌المللی.

استقلال در ایستگاه آخر فقط با ۳ امتیاز زنده می‌ماند

عملیات برد در منامه



جدول گروه و معادله‌ای بی‌رحم اما روشن

در پایان ۵ بازی، کارنامه استقلال هیچ شباهتی به یک مدعی ندارد: ۵ امتیاز، ۵ گل زده، ۱۰ گل خورده! اما با وجود این عملکرد پراسترس، هنوز یک شانس واقعی برای صعود باقی مانده است. نگاهی به جدول، تمام لپلمات‌را کنار می‌زند. الوصل با اختلافی زیاد صدرنشین شده و صعود کرده اما رتبه دوم کاملاً در اختیار المرحق است؛ تیمی با ۸ امتیاز. استقلال با ۵ امتیاز در تعقیب اوست و همین فاصله ۳ امتیازی، سرنوشت آبی‌ها را ساده و بی‌چندوچون کرده:

برد استقلال = ۸ امتیاز = صعود قطعی به‌عنوان تیم دوم گروه تساوی = ۶ امتیاز = حذف قطعی

شکست = پایان کامل فصل آسیایی.

زیبایی و خشونت فوتبال دقیقاً همین‌جاست، همه چیز گاهی در یک خط جمع می‌شود. نه تفاضل مهم است، نه گل زده، نه نتایج دیگران. استقلال اگر برنده شود، زنده می‌ماند؛ اگر نه، از آسیا خداحافظی می‌کند.

منامه: آزمون شخصیت، نه فقط یک مسابقه

بستار با المرحق فقط یک بازی برای ۳ امتیاز نیست. این مسابقه آزمون شخصیت است؛ امتحانی برای تیمی که در لیگ داخلی بارها نشان داده می‌تواند پس از افت دوباره اوج بگیرد اما در آسیا هنوز چنین چهره‌ای از استقلال دیده نشده؛ و بهترین زمان برای نمایش این شخصیت، همین مسابقه آخر است.

در منامه، فشار سنگین است. میزبان روی موج هواداران، با انگیزه صعود و با اعتماد به نفس حاصل از پیروزی دور رفت وارد میدان می‌شود. استقلال باید علاوه بر بازی تاکتیکی، از نظر روحی هم آماده باشد. تیم سایپتو اگر اسیر اضطراب و اشتباه شود، بازی

را می‌یازد؛ قبل از آنکه سوت پایان به صدا در آید. از نظر فنی، استقلال باید مراقب توپ‌های بلند، ضربات آزاد و ضدحمله‌ات سریع المرحق باشد. از نظر ذهنی اما باید از بزرگ‌ترین دشمنش عبور کند: ترس از اشتباه این تیم در هفته‌های گذشته بارها به خاطر همین ترس، از ارائه فوتبال واقعی‌اش بازماند. با این حال، اعتماد هواداران هنوز از بین نرفته است. آنها می‌دانند استقلال، اگر به همان شخصیت همیشگی‌اش برگردد، توانایی شکست دادن نماینده بحرین را دارد. بازیکنان کلیدی استقلال باید بار این مسابقه را به دوش بکشند و تیم را در مسیر درست هدایت کنند، چراکه این بازی نه‌تنها فصل آسیایی، بلکه تصویری که از تیم در ذهن هواداران می‌ماند را تعریف می‌کند.

نبرد آخر: انتخابی که تکلیف همه چیز را مشخص می‌کند

این مسابقه آخرین فرصتی است که استقلال می‌تواند از آن برای بازنویسی فصل آسیایی‌اش استفاده کند. اگر برود، همه اشتباهات هفته‌های گذشته زیر سایه صعود محو خواهد شد. اگر بازاز با حتی مساوی کنند، این فصل در تاریخ باشگاه به‌عنوان یکی از تلخ‌ترین دوره‌های آسیا ثبت خواهد شد.

این بار خبری از نتایج موازی، معادلات پیچیده یا امیدهای جانبی نیست. همه چیز در ۹۰ دقیقه‌ای خلاصه می‌شود که می‌تواند استقلال را از کلبوس‌های بیرون بکشد یا آن را به در خروجی مسابقات رهنمون کند.

در نهایت جمله‌ای وجود دارد که عصره تمام فصل استقلال را خلاصه می‌کند: باید بری. اگر می‌خواهی بمانی، باید بری. منامه منتظر است و استقلال تنها یک فرصت دارد تا از این انتظار، آینده‌ای جدید برای خودش بسازد.

تساوی استقلال و مصدومیت ستاره مراکشی در شب سرد لیگ قهرمانان

ترکیبی که جور نیست



پیش‌بینی شده بود و سرانجام اماراتی‌ها به گل مساوی رسیدند.

استقلال پس از گل خورده نه تعویض طلایی داشت و نه تاکتیک درستی، نه خبر از پرس بود و نه موقعیت گلی.

سایپتو که داکتر نازون، مهاجم هایتیبایی خود را به علت مصدومیت

در اختیار نداشت، تنها محضرها آزادی را روی نیمکت داشت. مهاجم بلندقامت استقلال که در این فصل عملکردموفقی نداشته، گویی تنها چاره سرمربی برای تغییر روند بازی و رسیدن به گل برتری بوده؛ هر چند آزادی نه موقعیتی به دست آورد و نه خودش را در موقعیتی قرار داد که بتوان امیدوار به گلزنی او شد. انگار آمده بود بدنش را با دویدن در هوای سرد ورزشگاه گرم کند؛ اگر نه هیچ تغییری در روند بد بازی ایجاد نکرد. تعویض سحرخیزان با آزادی برای تیمی که به دنبال ۳ امتیاز است، بدون شک سودی ندارد. بازیکنی که می‌تواند دفاع حریف را در زمین خود نگه دارد، قطعاً آزادی نیست و او انقدر بی‌آزار است که ترسی برای عقب‌نشینی تیم روبرو ندارد. تعویض‌های بعد سایپتو هم انقدر

امید بزرگ دختران فوتسال ایران برای عبور از سد ایتالیا

به امید تکرار حماسه ۸ آذر



نقشه راه صعود؛ مسیر پیچیده ۴ گروه و ۵ بلیت قطعی

مرحله گروهی نخستین دوره جام‌جهانی فوتسال زنان، درست مثل نخستین تجربه‌ها در هر رشته‌ای، پر از اتفاقات غیرقابل پیش‌بینی بوده است. از شمال آفریقا تا آمریکای جنوبی، از آسیا تا اروپا، هر گروه ترکیبی از قدرت‌های قدیمی و تازه‌واردهای بلندپرواز بوده و برخی نتایج چنان غیرمنتظره رقم خورده که هنوز تحلیلگران درگیر توضیح‌شان هستند.

گروه اول نمونه بارزی از همین آشفتگی شیرین است. مراکش - تیمی با رتبه‌ای دور از ذهن در رده‌بندی جهانی - در مقابل لهستانی که سال‌هاست در فوتسال زنان سرمایه‌گذاری کرده، ایستاد و آنها را کنار زد. آرتژینیان با بازی کمتر، بالای جدول ایستاد و فیلیپین با وجود میزبانی، از ابتدا درگیر شرایط دشوار بود و این گروه عملاً صعودکنندگان را شناخت. در گروه دوم، اسپانیا بدون لرزش به‌دور بعد رفته و تابلند و کلمبیا منتظر نبردی هستند که می‌تواند معادلات را زیر و رو کند. گروه سوم هم داستانی مشابه دارد؛ پر تغال کارش را تمام کرده و ژاپن و تائوان برای زنده

استقلال میان تردید و امید پنهان

چهره دوگانه



نمایش استقلال مقابل الوصل تصویری بود از تیمی که هم می‌توان از آن ناامید شد و هم می‌توان روزهایی برای امید در آن پیدا کرد. آبی‌ها در شبی که استادپوم شهر قدس بیش از همیشه درگیر حاشیه و تأخیرهای عجیب بود، خیلی زود دروازه حریف اماراتی را گشودند اما همان‌قدر سریع هم هیجان و اراده لازم برای استمرار برتری از بین رفت. نیمه نخست با تک‌گل استقلال به پایان رسید اما نیمه مربیان داستان را کاملاً تغییر داد و الوصل با استفاده از تعویض‌های هوشمندانه توانست کار را به تساوی بکشد؛ تساوی‌ای که نه تلخ بود و نه شیرین، فقط گواهی بود از یک وضعیت مبهم. استقلال در این مسابقه نه تیمی هجومی به‌نظر می‌رسید و نه تیمی حریص برای اداره بازی. خروج ناگهانی منیر - بازیکنی که سستون اصلی طرح‌های تاکتیکی سایپتو محسوب می‌شود - ضربه روانی بزرگی بود و باعث شد سیمای تیم شکننده‌تر به‌نظر برسد؛ بویژه در آستانه داری، این اتفاق خبر خوبی برای نیمکت آبی‌ها نیست. با این حال، از دل همین بازی خاکستری، یک نکته طلایی پیدا می‌شود: حفظ روند شکست‌ناپذیری.

آبی‌ها از آن روز که مقابل المرحق بحرین شکست خوردند، دیگر تن به باخت نداده‌اند. ۸ بازی، ۵ پیروزی، ۳ تساوی؛ آماری که برای تیمی با شروع لرزان، نشانه جان گرفتن است. همین ثبات نسبی باعث شده استقلال دوباره مدعی قهرمانی لیگ باشد و در جام حذفی هم بین گزینه‌های جدی باقی بماند اما سؤال اصلی این است: آیا این روند پایدار است یا فقط آرامش قبل از تو فغان؟

پاسخ این سؤال را باید در چالش بزرگ سایپتو جست‌وجو کرد؛ وابستگی بیش از حد به چند چهره محدود، ریتیم تیم بدون کوشکی، منیر و آسانی کاملاً دگرگون می‌شود و نبوده هر یک می‌تواند مساحت تهاجمی را از کار بیندازد. در شب مسابقه با الوصل، هم کوشکی نبود و هم منیر خیلی زود رفت، بنابراین طبیعی بود آسانی نیز نتواند همان بازیکن همیشگی باشد.

اکنون استقلال وارد مقطعی حساس شده است. ۲ بازی سرنوشت‌ساز با فولاد و پرسپولیس پیش روی آنهاست. این ۲ مسابقه می‌تواند روایت این فصل را کاملاً تغییر دهد؛ با حمایت‌ها را چند برابر کند یا دوباره باشگاه را به فضای ملتهب ابتدای فصل برگرداند. ریکاردو سایپتو روی لبه تیغ قدم می‌زند؛ یا از دل بحران عبور می‌کند و جایگاهش را تثبیت می‌کند یا دوباره در گرداب تردیدها گرفتار می‌شود.

درب هنگام بود که آمدن رضاییان به زمین تأثیری نداشت و او فرصت چندانی هم نداشت که خود را از دفاع به حمله برساند و ساترهای موفقی داشته باشد. تیمی که به دلیل فشرده‌گی شدید بازی‌هایش از دقیقه ۷۰ دیگر نای دویدن ندارد و به نظر می‌رسید ترجیح می‌دهد بازی را با همان نتیجه مساوی به پایان برساند. درست است فاصله ۴ روزه بازی‌ها یک فرصت مناسب برای برگزازی مسابقه است و تیم‌های فوتبال دیگر کشورها هم هفته‌ای ۲ بار بازی انجام می‌دهند اما شرایط ایران کمی متفاوت است. فوتبال ما ورزشگاه‌های مناسبی ندارد که چمن زمین‌شان کیفیت بالایی داشته باشد و اغلب دلیل مصدومیت بازیکنان همین چمن مستطیل رنگ‌شده است.

استقلال ۵ روز پیش از دیدار با الوصل در زمین بی‌کیفیت و نامناسب ورزشگاه تختی ۱۵۰ دقیقه در جام حذفی بازی کرد و در دیدار با الوصل هم چمن ورزشگاه شهدای قدس به گفته بازیکنان تیم نسبت به ماه قبل شرایط بدتری پیدا کرده بود. آبی‌ها با بازی فشرده در ۲ زمین نامناسب ستاره تیم خود را از دست داده و ۴ روز بعد هم باید در همین چمن اصالح نشده شهدای قدس برابر فولاد خوزستان صفارایی کنند. دیدارهای فشرده در لیگی پاشخگوست که ورزشگاه‌های مناسبی هم نداشته باشد، اگر نه می‌توان حتی در روستاها هم مسابقات را برگزار کرد.

۸ آذر برای فوتبال‌دوستان ایرانی اسم یک روز عادی نیست. همان روزی که لبخند یک ملت با گل خداداد عزیز در استرالیا به اوج رسید، همان روزی که صعودی فراموش‌نشده به جام‌جهانی ۹۸ رقم خورد.

اکنون زنان فوتسال ایران روی همان تاریخ قدم گذاشته‌اند؛ نه برای تکرار، بلکه برای ساختن روایتی تازه. اگر امروز شنبه ۸ آذر ایران، ایتالیا را از پیش رو بردارد، به جمع ۸ تیم برتر جهان می‌رسد؛ جایی که تا همین چند سال پیش حتی تصورش هم عجیب بود. آن‌وقت ۴ روز بعد با پرتغال ملاقات خواهد کرد؛ تیمی که در اروپا بارها ریشه دارد و سبک بازی‌اش تلفیقی از نظم و سرعت است اما رسیدن به آن بازی تنها یک شرط دارد: پیروزی؛ فقط پیروزی.

در پایان باید گفت این تیم نه با شگفتی و معجزه، بلکه با اراده و مبارزه می‌تواند صف‌های جدیدی در تاریخ فوتسال زنان ایران رقم بزند. شاید فردا شب، دوباره ۸ آذر پنهانی شود برای گریه از خوشحالی. شاید یک بار دیگر، قلب فوتسال ایران با ضربان دخترانی بنید که آمده‌اند ثابت کنند هیچ چیز در این دنیا، برای همیشه غیرممکن نیست.